

به نام پروردگار یکتا

شخصیت و مکتب شعری نزار قبّانی از منتظر ناقدان معاصر عرب

تألیف:

علی احمد محمد العرود

ترجمه:

دکتر محمد جعفری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر

نفیسه کمالی

سرشناسه: عرود، علی احمد محمد.

عنوان قرارداد: جدلیه نزار قبانی فی النقد العربی الحدت. فارسی

عنوان و نام پدیدآور: شخصیت و مکتب شعری نزار قبانی از منظر ناقدان معاصر عرب / تألیف: علی احمد محمد العرود:

ترجمه: محمد جعفری، نفیسه کمالی.

مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شابک: 978-964-477-351-6

وضعیت فهرست‌نویسی: قیبا

موضوع: قبانی، نزار، ۱۹۲۳ - ۱۹۹۸ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: شاعران عرب -- قرن ۲۰ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: شعر عربی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد

موضوع: شعر عربی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد

شناسه: ده: کمالی، نفیسه، ۱۳۶۵ - مترجم

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۷-۳۵۱-۶

رده بندی: ۸۹۲

شماره کتاب: ۳۴



ناشر: انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر

نام کتاب: شخصیت و مکتب شعری نزار قبانی از منظر ناقدان معاصر عرب

تألیف: علی احمد محمد العرود

ترجمه: دکتر محمد جعفری، نفیسه کمالی

صفحه‌آرا: نفیسه اسماعیلی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۳

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

چاپ: چاپخانه میثاق

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۷۷-۳۵۱-۶

مرکز پخش: مشهد- بلوار امامیه- دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد

نمایشگاه و فروشگاه کتاب دانشگاه آزاد اسلامی مشهد تلفن: ۶۶۲۵۵۷۸

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار به قلم ا.د. یوسف بکار
۹	مقدمه (مؤلف)
۱۴	گزیده‌هایی از زندگی شاعر فردی [نزار قبانی]
۱۹	فصل اول: بررسی شخصیت و مکتب شعری
۲۰	بررسی شخصیت
۲۱	نارسیم
۳۷	شعوبی گری
۴۹	سادسیم و مازوخسیم
۵۳	دنژوانسیم و شهریارسیم
۵۶	بورژوازیسم
۵۹	بخل
۶۲	فانک نزار
۶۶	بررسی مکتب شعری
۷۲	فصل دوم: بررسی تجربه شعری
۷۳	شعر دو مصرعی، شعر تفعیله، قصیده‌ی منثور
۸۲	فصل سوم: بررسی تعادل روانی
۹۴	شعر فردی (عشق و زن)

شعر سیاسی و ملی ۱۴۹

فصل چهارم: بررسی آرایه‌های هنری (تکنیک‌های شعری) ۱۸۰

زبان ۱۸۱

تصویر شعری ۲۱۴

پدیده‌های سبکی ۲۳۳

وزن ۲۳۴

فصل پنجم: مناسبت‌های نزار قبانی با ناقدان ۲۵۰

واپسین درنگ ۲۷۱

نتیجه‌گیری مترجم ۲۷۵

فهرست منابع و مراجع ۲۸۷

پیشگفتار

ا. د. یوسف بکار

استاد نقد ادبی - دانشگاه یرموک

اربید-اردن

- ۱ -

نزار قبانی، اگر خود به تنهایی یک مکتب شعری به شمار نرود؛ دست کم سردمدار یک مکتب شعری است. مکتبی با ویژگی‌های موضوعی، تصویری، فنی و ویژگی‌های فنی درخور توجه که به ندرت در گذشتگان یا هم‌عصران و یا افراد پس از او پیدا می‌شود و آنجا گرد آمده باشد.

نزار مانند بسیاری از شاعران کارش را با شعر «ومصرع» در دیوان نخستینش «قالت لی السمراء» (۱۹۹۴م.) آغاز کرد. و همواره بر همان شیوه فنی و اندیشه‌ای که به جرگه‌ی شاعران «تفعیله گرا» پیوست. و بنابر عقیده‌ی نقدپرداز فقید سوری «نعیم الیاس» نزار قبانی با توجه به تحول مهمی که در شکل، مضمون و زبان شعر قصیده پدید آورد؛ نخستین شاعر نوپرداز سوریه و لبنان به شمار می‌رود.

سپس مواضعی را که در دو قالب شعر شطری و تفعیلی داشت، رها کرد و به «مثنوی» و «مثنوی» رساله‌ی «حب» به جمع سرایندگان قصیده‌ی منشور در (۱۹۷۰م) پیوست. زیرا با تمام «سنت پرستی ساختاری» مخالف بود و اعتقادی به محدودیت‌های مطلق شعری نداشت، بلکه همواره در جستجوی «ساختارهایی» بود که به وسیله‌ی آن‌ها از تاریخ شعری خویش فراتر رود.

طبق توصیفی که نزار از خود بیان کرده، شاعری فراتر از حوزه‌ی تألیف، توصیف و خصوصیات رایج بود؛ بدین معنی که او نه کلاسیک، و نه نوکلاسیک، و نه رومانسیک، و نه

سمبولیک، و نه کهن - گرا، و نه آینده گرا، و نه امپرسیونیسم، و نه کوبیسم و نه سوررئالیست بود، بلکه او از «حزب شعر» و «مخلوطی از آزادی بود که هیچ آزمایشگری نمی‌تواند آن را تحلیل کند».

- ۲ -

بنابراین عجیب نیست، اگر نزار کانون نزاع و جدال قرار گرفته نشده باشد، به گمانم از همان آثر گرایش او به رمانتیسم، این دو مسأله «جدل و نزاع» با او پرورش یافتند. مگر نه آن است که «احمد حسن الزیات»، نام دومین دیوانش را در سال ۱۹۴۸م. «طفولة نهدي» (با دال) را به «طفولة نهر» (براء) تغییر داد. هنگامی که به وسیله‌ی آن شناخته شد و در مجله «الرسالة» عرضه شد؟ مگر چنین نبود که پس از انتقاد گری از شعرش قیامتی علیه او بر پا شد مانند آنچه پیش از او برای «متنبی» اتفاق افتاد. پس از آن که «مبیده‌ی معروفش «هوامش علی دفتر النکسة» را اندکی پس از شکست ژوئن (۱۹۶۸م.) منتشر کرد».

در مورد نزار و شعرش؛ جدال‌ها بسیار طولانی برپا شد، تا بدان جایی که تألیفات، پژوهش‌ها و مقالات بسیاری هم از سوی افغانان و یاران، و هم از مخالفان و میانه‌روهای پیرامون او پدید آمد؛ او همان کسی است که دانش آموز قدیمی و نجیب - که اکنون دکتر است - «علی العرود» به او توجه کرد و او را موضوع کتابش یعنی «شخصیت و مکتب شعری نزار قبّانی از منظر ناقدان معاصر عرب» قرار داد، وی آن را به همراه کاملاً علمی، استوار، دور از غرض ورزی و با اقدامات دقیق نقدی و اصطلاحات واضح و روشن به رشته‌ی تحریر درآورد، پس از آن که آن نوشته‌ها را تقریباً به طور کامل بررسی نمود.

- ۳ -

این کتاب از کتاب‌های مهم نقدی است و عنوان آن با مطالب فصل‌های آن که بر پایه‌ی پژوهش‌های متقن، با دقت نظر هرچه تمامتر و بی‌طرفی و دفاع و مخالفت تألیف شده که این همه در کمال امانتداری علمی صورت گرفته است؛ کاملاً منطبق و متناسب است.

در «بررسی شخصیت»، جستجوهای درمورد آنچه از فرهنگ شاعر برانگیخته شده صورت گرفته، و نیز درمورد آنچه شخصیت شاعر به آن متهم شده است، از جمله این که او نارسبسم، شعبیه، سادیسم، مازوخیسم، دنژوانیسم، شهریاریسم، بورژوازیسم و بخل است. افزون بر مبحث «مکتب شعری» که بین دو نظریه در نوسان است، نظریه‌هایی که یکی نزار را «پدیده‌ی شعری» حقیقی و متفاوت می‌داند و دیگری او را صاحب «مکتب شعری» منحصر به فرد می‌داند، مکتبی با ویژگی‌هایی که آن را از دیگر مکاتب شعری متفاوت می‌سازد.

و مبحث «تجربه» شامل بررسی‌های جدی نظریات مختلف درمورد نزار و در قالب‌های سه گانه‌ی شعرش؛ یعنی: شعری، تعلیلی و قصیده‌ی متثور است.

اما مبحث «تعداد» و «انواع» در این اصطلاح از آن مرحوم «احسان عباس» است که فردی بسیار پُر خروش بود و با جدیت به موضوعات شعری این شاعر در زمینه‌های عشق، زن، سیاست و میهن پرستی پرداخت.

و جدیت او در مبحث «تکنیک‌های شعری» نیز که در اصطلاح «احسان عباس»، «آرایش هنری» نامیده می‌شود و به زبان نزار، تصاویر شعری است. روش‌های سبکی او می‌پردازد، از جدیت مبحث پیشین کمتر نیست.

پژوهشگر تنها به این موارد بسنده نکرد، بلکه در فصل آخر کتاب، هر چند کوتاه است، به موضوع جدال خود نزار با یکی از نقدپردازان مخالفش پرداخت که در مقابل آن‌ها ایستاده و به آن‌ها پاسخ داده و بر آن‌ها پیروز شده است.

- ۴ -

«علی العروود»، با تلاش‌های فراوانی که انجام داد و منابع و نظریه‌هایی که در اختیار داشت تا حدود زیادی موفق شد به نقاط حساس مباحث نقدی نزار قبانی و شعرش بپردازد و آن‌ها را با نهایت امانتداری عرضه نماید و با دقت، خرد و بردباری به صورت «عینی و واقع‌گرایانه» تحلیل نماید.

روشن است که این کتاب مهم، درمورد شاعری «پیچیده‌گو» و شور انگیز است و با وجود اینکه افراد زیادی در مورد نزار مطالبی نوشته‌اند، ولی کسی پیش از این به همه‌ی موضوعات

کتاب نپرداخته و آن‌ها را مانند «علی العروود» بررسی نکرده است. و نیز چنین می‌پندارم که او [علی العروود] از حیطه‌ی جدال و دیالکتیک به دور نخواهد بود، اما این موضوع اهمیتی ندارد، زیرا این از شایستگی‌های «اهل عزم» و نیز برازنده‌ی کسانی است که «دریا را می‌نوردند»، و «بر فراز کوه‌ها صعود می‌کنند» و همه چیز به خدا باز می‌گردد.

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

نزار قبانی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های شعر عربی، و یکی از پیشگامان نوگرایی شعر عربی در عصر حاضر به شمار می‌رود. او وارد جهان شعر شد، به نوآوری در آن پرداخت و خشت‌های سبک و بنیادینش در بیکر شعر نو عربی جای داد که دیگران به آن‌ها تکیه کردند با سبک دلفریبش که برخی آن را سبک و ممتنع می‌نامند و خواننده را با تکیه بر انگیزش عواطف، احساسات و قدرت برپایش واژگان دارد، جذب می‌کند تا این‌که متناسب با روح زمانه و نیز با طبیعت حیات بدون ضعف و سستی هم نوا شود؛ تا آن‌جا که تبدیل به شاعر روزگار شد. شاعری که شعر را به دغدغه‌های روز بشر در آمیخت.

درست است که مردم جز در مورد شاعران مهم دچار اختلاف نمی‌شوند. در اینجا شاعر بلند آوازه «متنبی» را به یاد می‌آوریم که شکایت‌های بلندش از حسد حاسدان داشت، کسانی که آرزوی سرکوبی و مهار کردن آنان را با افساری از آتش داشتند. نزار نیز در زندگی شخصی و هنری‌اش هدف کسانی بود که در پی او رفتند و با سبک و بی‌انگیزش او هدف قرار دادند.

نزار قبانی در معرض نقدهای مثبت و منفی گوناگونی قرار گرفته است. به بسا گرافه نباشد اگر بگوییم هیچ شاعری در قرن بیستم در معرض چنین نقدی قرار نگرفت. مگر این‌که تبدیل به پدیده‌ی جنجال برانگیز [دیالکتیک] نقدی شد. و هر قصیده‌ای، هجوم، خشونت‌های و خشنودی با خود در پی دارد و پس از هر دیوان مورد حملات پراکنده و قلم‌های خشمگین نقیض‌های بلند با خود به همراه دارد، حال آن‌که کوچ شاعرانه‌ی نزار هم چنان ادامه می‌یافت، نه فریاد مرش را خنم می‌کرد و نه تبغی آن را پنهان می‌نمود.

قلم‌های نقدپردازان بسیاری، بخاطر کثرت شعر نزار، به نقد نزار پرداختند و داوری‌های آنان گاه بی‌طرفانه و واقعی بوده و اغلب اوقات رنگ و بوی خصمانه داشت. برخی از نقدپردازان او را شاعرترین شاعران دوره‌ی معاصر و معلم آنان می‌دانستند و گروهی دیگر نظری کاملاً مخالف

دسته اول در مورد او داشتند و او را شاعری نیمه فرهیخته می‌دانستند که شعرش تنها شایسته‌ی عامه است که دختران دانشجو دلباخته‌ی اویند و زنان سرایرده نشین به او متمایلند.

نقد، اگر باعث پیدایش موهبتی نباشد دست کم از به خطا رفتن آن‌ها جلوگیری می‌کند. اما آنچه در مورد نزار و شعرش تحریر یافت - که بسیار زیاد بود - اکثرأ نقد به معنی علمی کلمه نبود، بلکه یا ستایش بود یا نکوهش. و این نکوهش، اغلب براساس داوری متون شعری او با معیارهای یقینی اخلاقی انجام می‌شد، معیارهایی که برپایه‌ی احکام زورگویانه‌ی دور از اصول و معیارهای نقد ادبی استوار بود. چرا که نزار شعرش را برپایه‌ی اصول زیباشناختی، هنری و بلاغی پدید آورد و بیش از آنکه به جنبه‌ی واقعگرایانه و بی‌طرفانه‌ی این شعر تکیه کند بر زبان، مجاز و تصویر تکیه داشت. در هر حال هیچ یک از دو مورد (ستایش و نکوهش)، نه برای شاعر نوآور مفید است نه سودی برای منتقدی شایسته دارد.

پس هنگامی نیزه‌ی خویش به سوی زن نشانه گرفت؛ که گاه همچون دیگران با او به مغالزه می‌پردازد و از جور و جفایش شکر می‌کند و گاه نیز به واسطه‌ی او [زن] بلندمرتبه می‌گردد. گاه دیگران در مورد او گفته‌اند: او شاعر زن است. حتی شاعر جنس بازی و شاعر پستان است. و هنگامی که [نزار] درمندان از واقعیت‌ها ملت‌شکوه می‌کند و خشمگین و فریادگر درمقابل سلطه‌گران و دسیسه‌چینان میهن و سرزمین ماوه می‌ماند، کنفرانس‌ها و چانه زنی‌هایشان را محکوم می‌کند. درباره او گفته‌اند: در ملت پرستی و فقیه‌پرستی افراط کرده است. یا گفته‌اند: این درگهی است که نزار شایستگی ورود به آن را ندارد، و او را که از هم پاشیدگی، تباهی، تفرقه، تفرقه‌گرایی، میهن پرستی و دیگر بیماریها و اختلالاتی که ما را در آن زندگی می‌کند، پرداخت؛ نقد گزنده‌ی خویش را بیان کرد و از تازیانه‌ی نیشدارش چشم فراوان خود پرده برداشت تا بدان جا که درباره وی گفته شد: او یک شاعر شعوبی است که قصد دستیابی به توانمندی‌های امت و ریشه‌های استوار آن را دارد. اما آنچه در نقد نزار و شعرش گفته شد در ترازوی شعر ملی و قومی نزار حتی به اندازه‌ی یک گل بابونه یا یاسمن دمشق که نزار به ترنم در مورد آن‌ها پرداخته، نمی‌ارزد.

درحقیقت، آنچه در مورد نزار نگاشته شده، کسانی که در مورد او و علیه او به دشمنی پرداختند، بسیار است. هدف و پژوهش من بیش از آن‌که بررسی و مطالعه‌ی همه آن‌ها باشد،

تلاش برای آشکار کردن اختلافات جدلی و کشمکش‌های موجود در مورد شاعر است، و [این پژوهش] می‌کوشد هر چیز را در جایگاه خودش قرار دهد. یک ارزیابی موضوعی از شاعر ارائه دهد، کاری که بدون هیچ جهت‌گیری به نفع یا علیه شاعر، او را در جایگاه صحیح خود قرار دهد؛ مخصوصاً این مسأله جدال برانگیز به شیوه‌ای علمی مورد بررسی قرار نگرفته است تا در پرتو نوآوری‌های شاعر به عمق مطلب پی ببرد. از این رو؛ بر آن شدم تا به بررسی منصفانه و هوشیارانه آن بپردازم تا بتوانم به نتیجه‌ای که بر حق است، برسم. پژوهش‌هایم را به جوانب شخصیتی و موضوعات شعری‌ای که در این بررسی مطرح می‌باشد، قرار دادم و به بزرگی یا کوچکی گسترده‌ی بدی‌ها که شامل این مبحث می‌شود توجه نکردم. هم‌چنین این پژوهش، بسیاری از پژوهش‌هایی را که ارزیابی حس نقادانه تنظیم نشده و تاحدودی دارای گرایش‌های تحریک‌آمیز و تهاجمی علیه شاعر و شاعرانش می‌باشد، مستثنی نموده است.

این پژوهش در پنج فصل تنظیم شد. بخش اول از آن‌ها درآمدی شامل گزیده‌ای از زندگی نامه‌ی شاعر آمده است.

اما **فصل اول**، در بخش اول آن به مباحثی که مربوط به پاره‌ای از مراحل زندگی شخصی نزار مطرح شده، می‌پردازیم. مراحلی که برخی تقدیردان آن را با عنوان کانون مرکزی و نقطه‌های روشن برشمرده‌اند. در بررسی شخصیت و هنر شاعر، که با این مباحث آغاز می‌شود و به شعوبی-گری، مازوخیسم، سادیسم، دنزوانیسم، شهریاریسم، بورژوائیسم، پس می‌گذرد تا سرانجام با فرهنگ ویژه شاعر پایان می‌یابد. در بخش دیگر آن به مباحث نقدی می‌پردازیم که نظرات نقدی و جهت‌گیری‌های متفاوتی دارد، درخصوص این‌که: آیا نزار یک پدیده‌ی شاعرانه است یا یک مکتب شعری یا چیزی جز آن؟

فصل دوم، داوری‌های نقادانه‌ای را بررسی کرده که به تجربه‌ی شعری شاعر پرداخ‌ است، که از کودکی شعری‌اش در (قصیده الشطرنج) آغاز و به صورت شعر تعلیمی ادامه یافته و به شعر منشور منتهی شده است. تنها این نیست، بلکه او آرزو داشت روزی به یک شعر بدون قالب برسد، زیرا به شکل و ارگی و قالب بندی آن در قالب‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را کم یا زیاد کرد اعتقادی نداشت.

اما فصل سوم، را به بررسی مبحث تعادل روانی اختصاص دادم. که به تحولات نزار از شعر عاشقانه و زن تا شعر ملی و قومی، و نیز شعر فردی تا شعر سیاسی پرداخته است. و این فصل، به

دلیل کثرت پژوهش‌های انجام شده درمورد زن در شعر نزار، و بدون درنظر گرفتن ارزش ادبی و نقدی آن‌ها، بخش قابل توجهی از پژوهش را به خود اختصاص داده است. و بسیاری از آن پژوهش‌ها به دلیل دوری از نقد علمی و بی‌طرفانه و درستش، یا به عبارت دیگر، به دلیل فقدان محتوای نقدی و تکیه بر امپرسیونیسم مورد بررسی قرار نگرفت. و پایان؛ هم‌چنین در حواشی به خوبی دیگر از پژوهش‌ها اشاره شده است. به دلیل این‌که مضامین آن‌ها در دیگر پژوهش‌ها مکرراً رداب شده قرار گرفته است.

فصل چهارم، به نوعی دیگر از مباحث تعادل پرداختم و آن بحث آرایش هنری است. در این بحث برای بررسی‌های خاص تکنیک‌های شعری را مورد مطالعه قرار دادم و تنها به مباحث نقدی پرداخته‌ام. آن‌ها سنده کردم، هرچند تنگناهای دایره‌ی این مبحث را هنگامی که با مباحث مطرح شده در فصل نعل روان همراه می‌شود، دریافتیم. این پژوهش به تکنیک‌های زبان، تصویر شعری و پدیده‌های سببی که مورد بررسی قرار نگرفته‌اند می‌پردازد. و درخصوص موضوعاتی که نقد به همه‌ی آن‌ها نپرداخته است، از تضاد و تشبیهات مکرر، واژگان غیرعربی، زبان «من»، داستان پردازی و گفتگو، تنها به اشاره‌ای بسنده می‌کند؛ ضمن این‌که نظریات نقدی مربوط به مهمترین و موردتوجه‌ترین آن‌ها یعنی پدیدگی تکرار را بررسی می‌نماید.

فصل پایانی را نیز به مناظره‌ی نزار با نقدپیران اختصاص دادم. تفاوت این فصل با فصول پیشین در این است که در آن نزار را طرف اصلی بحث ندانم. آن قرار دادیم؛ خواه این بحث آشکارکننده یک دشمنی سخت یا یک دوستی صمیمانه باشد. پس آن‌که بحث در فصول پیشین در میدان نقد و میان خود نقدپردازان برقرار بود.

طبیعت پژوهش مرا واداشت تا در بررسی مباحث همه‌ی فصل‌ها، به گونه‌ی مشخص تکیه کنم، شیوه‌ای که طی آن نظرات نقدپردازان مخالف و بررسی آن‌ها جدا از مباحث نقدی سایر صاحب‌نظران، یعنی نظرانی که در آن‌ها نشانه‌های نقد ادبی متعهد و احساس واقعی به روشنی آشکار است، صورت می‌گیرد. سپس به اثبات نظرات خود در مورد نقدهای مخالف، بی‌طرف و حتی موافق با نزار می‌پردازیم.

و در اینجا بر خویشتن لازم دیدم تا بگویم: سخن پیرامون نزار و نقدپردازان او شاخه‌های فراوانی دارد. از این رو؛ پژوهش‌ها، از هر سمت و سویی سعی دارد تا شگفت زده یا مشتاقانه از

می پردازد؛ و از آنجایی که بسط کلام زمانی بسیار می خواهد و منجر به ناتمام گویی می شود، به مقدار موجود و آنچه در این کار نو به آن پرداخته شده اکتفا نمودم، و من آنچه را که «عسکری» در «الصناعتین» گفته است، می گویم: "و در ضمن: من از هرگونه خطایی که در [کار] است عذر خواهم.... پس اگر به موردی برخوردید، به خاطر آن از شما پوزش می خواهم؛ چرا که در دنیا کسی که همه ی عیوب به دور باشد یا از هر جهت کامل باشد، وجود ندارد..."

و باید سبب؛ این که امیدوارم این پژوهش خلاصه وجود در پژوهش های نوین نقد را جبران نماید؛ و حسن نیت، اخلاص و تلاشم، باعث بخشش من شود. چه این که دست بالای دست بسیار است.

نویسنده

د. علی العرود